

برای اصلاحات اقتصادی فرصت سوزی صورت می گیرد

استیضاح یا فرافکنی؟

گروه سیاسی- در حالی که مشکلات اقتصادی کشور ریشه در عواملی پیچیده و فراتر از اختیارات فردی دارد، برخی نمایندگان مجلس خواستار استیضاح وزیر اقتصاد به دلیل بحران‌های ارزی و تورم هستند، اما کارشناسان و فعالان اقتصادی هشدار می‌دهند؛ استیضاح در این بزنگاه نه تنها به حل مشکلات اقتصادی کمک نمی‌کند، بلکه بر بی‌ثباتی و پیچیدگی بحران می‌افزاید.

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با بحران‌های پیچیده و متعدد دست و پنجه نرم کرده است. این بحران‌ها نه تنها ناشی از مسائل داخلی و مدیریتی بلکه ریشه در فشارهای خارجی، به ویژه تحریم‌های بین‌المللی دارد. افزایش قیمت ارز، کاهش ارزش پول ملی، تورم بالا و نوسانات شدید اقتصادی، عواملی هستند که وضعیت اقتصادی را به بحرانی بی‌سابقه رسانده‌اند.

شرح در صفحه ۶

استیضاح

یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۳

۱ رمضان ۱۴۴۶

۲ مارس ۲۰۲۵

سال بیستم

شماره ۵۸۵۹

۸ صفحه

۱۰۰۰۰ تومان

مشاورچهره رهبران آمریکای اوکراین په فئحی پوهنځی تمام‌شده؟

روزرگشایی از دعوا در

کاخ سفید

صفحه ۷



خبر

وضعیت اقتصادی کشور و تأثیر استیضاح وزیر بر آن

وضعیت اقتصادی کشور در حال حاضر تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی متعددی قرار دارد. از یک سو، چالش‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، نوسانات ارزی و تورم بالا، و از سوی دیگر، نیاز به اصلاحات ساختاری و بهبود مدیریت اقتصادی، بر شرایط کنونی تأثیر گذاشته است. در این راستا، بحث استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان یکی از موضوعات مهم سیاسی و اقتصادی مطرح شده و نظرات مختلفی را به دنبال داشته است.

به گزارش ایسنا، شرایط فعلی کشور به لحاظ داخلی تحت تأثیر عواملی مانند تحریم‌های بین‌المللی است که این تحریم‌ها فشار زیادی بر اقتصاد کشور وارد کرده و موجب کاهش صادرات و افزایش هزینه‌ها شده است. نوسانات شدید ارزی هم عدم ثبات اقتصادی را تشدید کرده و بر قدرت خرید مردم تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر، وضعیت جهانی نیز تحت تأثیر بحران‌های اقتصادی و سیاسی قرار دارد که می‌تواند بر تعاملات اقتصادی ایران تأثیر بگذارد.

شرایط اقتصادی کشور در حال حاضر با نرخ تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و نوسانات بازار ارز مواجه است. در این شرایط استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی ممکن است به بی‌ثباتی بیشتر در بازارها منجر شود؛ چراکه هرگونه تغییر در رهبری اقتصادی می‌تواند به عدم قطعیت و نگرانی در میان سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی منجر شود. در این شرایط، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ برای حل مشکلات اقتصادی کشور احساس می‌شود که فراتر از تغییرات مدیریتی باشد. برخی از تحلیلگران بر این باورند که زمان استیضاح در شرایط فعلی اقتصادی مناسب نیست و می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر منجر شود. رئیس‌جمهور نیز در اظهارات خود به این نکته اشاره کرده است که «با دعوا مشکلی حل نخواهد شد.» این جمله نشان‌دهنده نگرانی از ایجاد عدم قطعیت در بازارها و تأثیرات منفی آن بر سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی است. در مقابل، موافقان

استیضاح معتقدند که در صورت عدم تغییر، مشکلات اقتصادی ادامه خواهد داشت و باید اقداماتی انجام شود. با توجه به اظهارات رئیس‌جمهور و تحلیل‌های موجود، به نظر می‌رسد که استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی در شرایط کنونی می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در بازارها و تشدید مشکلات اقتصادی منجر شود؛ بنابراین، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ برای حل مشکلات اقتصادی کشور احساس می‌شود که فراتر از تغییرات مدیریتی باشد. موافقان استیضاح بر این باورند که تغییر وزیر می‌تواند به ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید منجر شود که ممکن است به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. آن‌ها به مستندات اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد برخی از سیاست‌های اقتصادی فعلی ناکارآمد بوده و نیاز به تجدید نظر دارند. از سوی دیگر، مخالفان استیضاح معتقدند که تغییرات در سطوح مدیریتی به تنهایی نمی‌تواند مشکلات عمیق اقتصادی را حل کند و نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد.

آن‌ها همچنین بر این باورند که عدم کارایی در مدیریت اقتصادی و ناکامی در تحقق اهداف اقتصادی، ضرورت تغییر در راس وزارتخانه را ایجاد می‌کند. ناتوانی در کنترل تورم؛ افزایش مداوم قیمت‌ها و عدم توانایی در مهار تورم، به عنوان دلایل اصلی استیضاح مطرح شده است. همچنین انتقادهایی نسبت به سیاست‌های ناکارآمد مطرح است و منتقدان معتقدند که سیاست‌های مالی و پولی نتوانسته‌اند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کنند. فقدان شفافیت در عملکرد وزارت اقتصاد و عدم ارائه گزارش‌های دقیق و قابل اعتماد هم از جمله موارد مطرح شده از سوی موافقان استیضاح است.

در مقابل، دولتمردان و مخالفان استیضاح بر این باورند که تغییر وزیر در شرایط کنونی می‌تواند پیامدهای منفی برای اقتصاد کشور داشته باشد. آن‌ها می‌گویند استیضاح می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در مدیریت اقتصادی شود و روند تصمیم‌گیری‌ها را مختل کند. هم‌چنین عدم قطعیت ناشی از استیضاح می‌تواند سرمایه‌گذاران را ناامید کند و بر جذب سرمایه تأثیر منفی بگذارد.

برخی هم معتقدند که تغییر وزیر در این مقطع زمانی می‌تواند مانع از ادامه سیاست‌های اصلاحی و برنامه‌های اقتصادی باشد که در حال حاضر در حال اجرا هستند.

کارشناسان اقتصادی تأکید دارند که برای کاهش وابستگی اقتصادی کشور باید به سمت تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و تقویت تولید داخلی حرکت کند. همچنین، تقویت روابط تجاری با کشورهای همسایه و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی تصمیمات بین‌المللی کمک کند. همچنین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر استراتژی‌های پیشنهادی است.

مشاجره زلنسکی – ترامپ؛ عصر جدیدی در مناسبات جهانی رقم می خورد؟

ظهور دوگانه اروپایی- آمریکایی



ضرب‌آهنگ تندتری بر این اتحاد می‌کوبد.

روز جمعه «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روایت دقیق‌تر و عریانی‌را از آنچه که او دوستی ترامپ با دشمن اروپا خوانده به نمایش گذاشت. او در گفت‌وگویی رویکرد در عرصه جهانی که موازتهای فعلی را دستخوش تغییرات گسترده‌ای خواهد کرد. آنها که ترامپ را متظاهر و نمایش‌دهنده چهره‌ای تاجر و منفعت‌طلب می‌دانند این درهم‌تنیدگی را به نوعی تداخل سیاست و پوپولیست‌مآبی رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌دانند که قصد دارد از هر روزنه‌ای برای تجارت و کسب سود استفاده کند. این نگاه شاید ملی‌گرایانه به نظر برسد، حتی وقتی که اپدئولوژی‌های سیاسی زمان بایدن در افکارعمومی را تضعیف می‌کند.

کسانی که او را یک سیاستمدارکارگشته، پشت رفتار پوپولیستی و اقتصادی فرض می‌کنند دیدگاه دیگری دارند. آنها معتقدند استراتژی جدید ایالات متحده بعد از یک دوره تنش در جنگ اوکراین، خاورمیانه و شکل‌گیری هژمونی‌های جدید میان کشورهای عضو بریکس و شانگهای، ایجاد موازنه‌ای معکوس است.

این موازنه جدید برخلاف رفتار کلاسیک آمریکایی‌ها در دوران پسا جنگ سرد، همزمان شکاف درگردهمایی قدرت چین و روسیه را با قربانی کردن اتحاد غربی پیگیری می‌کند. اگر چنین فرضیه‌ای صحت داشته باشد خارج کردن روسیه از مدار چین به عنوان یک تاکتیک اولیه به دل جنگ اوکراین مورد نظر ترامپ و تیم سیاست خارجی اوست. اما آنچه که در حال حاضر بیشتر خودنمایی می‌کند شگافی است که در اتحاد غربی به وقوع پیوسته و جنجال‌برانگیزتر از سیاست پشت‌پرده ترامپ به نظر می‌رسد.

تفسیری که اروپا درک می‌کند

در واقع، مشاجره و تضاد در داخل کاخ سفید می‌تواند نمایانگر شکاف‌های عمیق در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به دوران بایدن باشد. مولفه‌هایی که در دهه‌های اخیر غرب را متحد کرده بود، حالا به نظر می‌رسد که در آستانه فروپاشی قرار دارد. این موضوع استمرار همان واهمه‌ای است که مدت‌ها در اروپا جریان داشته است؛ چه در دوره اول ریاست‌جمهوری او، چه در این دوره که با

تک نرخی کردن ارز در شرایط فعلی معنا ندارد

اقتصاد دست به گریبان

محدودیت‌های ارزی

صفحه ۶

سرمقاله

جلال خوش‌چهره



استیضاح کنندگان زمان را درک کنند

لازم است در مدیریت اوضاع کنونی، بیش از هر زمان عقلانیت‌را جایگزین هرگونه تمایلاتجناحی آمیخته با شور منفعت‌طلبی‌ها و کینه‌ورزی‌های سیاسی کرد. مهم‌تر این که لازم است با دل در گرو منافع و امنیت ملی داشتن، همه کشنگران سیاسی و اقتصادی در همه سطوح، خود را بخشی از راه‌حل‌ها کنند به جای آن‌که بخشی از مشکلات شده و بر عمق آن بیفزایند.

خواست استیضاح "عبدالناصر همتی" از سوی شماری از نمایندگان مجلس به هر دلیل و بهانه، وقت مناسبی ندارد. در این حال "استیضاح" با هر نتیجه ممکن، نه تنها تأثیر اصلاحی مستقیم یا غیر مستقیم در کنترل و اصلاح وضع بغرنج اقتصاد کشور ندارد، بلکه می‌تواند بر عمق مشکلات بیفزاید. به میان آوردن موضوع استیضاح آن هم برای وزیری که تنها سه ماه و اندی ازاستقرار او در وزارت اقتصاد می‌گذرد، نزد افکار عمومی نه هضم پذیر است و نه افقی متفاوت و روشن را از آنچه هست، پیش چشم تصویر می‌کند. این وضع تنها و تنها بر التهاب در اندام اقتصاد کشور می‌افزاید. نکته مهم‌ترین که خواستاران استیضاح هیچ ایده جایگزینی را برای اصلاح اوضاع نداشته و اقدام آنان در نگاه ناظران، بیشتر به بازی طناب کشی جناح مغلوب در انتخاب رئیس دولت چهاردهم در تابستان گذشته با رقیبان خود دارد.

طناب کشی اما در این بزنگاه جز افتادن در تله آنچه تحمیل فشار حداکثری" به جامعه ایرانی خوانده می‌شود، نخواهد بود. استیضاح در این شرایط نوزد دیگران، التهابات نخستین پیش از اجزایی شدن همه آنچه است که "دونالد ترامپ" وتیم افراطی او علیه کیان جامعه ایرانی در سر دارند.

ادامه در صفحه ۲

کناردموکراسی می‌ایستد.»

اسپانیا یکی از کشورهای اروپایی است که تاکنون کمک‌های نظامی قابل توجهی به اوکراین ارائه کرده است. اوزرولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، و شارل میشل در بیانیه‌هایی جداگانه، ضمن ابراز نگرانی از تأثیر این مشاجره بر اتحاد غرب، تأکید کردند که اروپا همچنان از اوکراین حمایت خواهد کرد.

سیاست‌بازی میان واشنگتن و کی‌یف

برخی از کشورهای اروپایی تلاش کردند موضعی متعادل و دیپلماتیک اتخاذ کنند و از درگیر شدن مستقیم در این مشاجره خودداری کردند. جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، با وجود حمایت کلی از اوکراین، تلاش کرد لحن خود را ملایم نگه دارد.

او گفت:«همه ما باید برای یافتن یک راه‌حل صلح‌آمیز تلاش کنیم.» هلند و بلژیک نیز واکنش‌های محتاطانه‌ای نشان دادند و تأکید کردند که این مشاجره نباید بر اتحاد غرب در برابر روسیه تأثیر بگذارد.

در مقابل، برخی از رهبران اروپایی، به‌ویژه آن‌هایی که رویکرد ضد جنگ یا رابطه نزدیکی با سیاست‌های ترامپ دارند، از اظهارات او حمایت کردند.ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، که یکی از منتقدان سرسخت زلنسکی است، از ترامپ حمایت کرد و گفت:«رئیس‌جمهور ترامپ درست می‌گوید. راه‌حل این جنگ، تجدید درگیری نیست، بلکه صلح است.» اوربان از معدود رهبران اروپایی است که روابط نزدیکی با روسیه دارد و بارها با تحریم‌های جدید علیه مسکو مخالفت کرده است.

بهره‌برداری از شکاف غرب

در این میان، استقبال روسیه از ترامپ و تحقیر زلنسکی برای اروپایی‌ها بیش از هر زمان دیگری معنادار و قابل تامل است. دیمیتری مدوف، معاون شورای امنیت روسیه، از درگیری میان ترامپ و زلنسکی استقبال کرد و گفت:«ترامپ حق دارد. زلنسکی یک قمارباز شکست‌خورده است که غرب را به دام جنگ کشانده.»

«ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفت: «اینکه ترامپ به پیش‌گام خود را کنترل کردند و زلنسکی را زدنند، یک معجزه ازخویشتن‌داری است.» مشاجره ترامپ و زلنسکی به وضوح نشان‌دهنده شکاف‌های جدید در سیاست‌های ایالات متحده است. این تنش نه تنها روابط آمریکا و اوکراین را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهایی جدی برای اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای غربی به همراه داشته باشد، حتی اگر رویکرد نهایی ترامپ خارج کردن تک تک کشورهای هژمونی‌مقابل در برابر سلطه دلار و یکجانبه‌گرایی آمریکا باشد.

در نهایت، این نشست و مشاجره در کاخ سفید تنها به یک دعوی سیاسی ساده نبود؛ بلکه به یک پیام قوی تبدیل شد که ایالات متحده، تحت رهبری ترامپ، ممکن است مسیر متفاوتی را در پیش بگیرد که می‌تواند عواقب آن در سیاست جهانی به وضوح مشاهده شود. این شکاف در میان رهبران اروپایی و آمریکا نشان می‌دهد که آینده اتحاد غربی در برابر روسیه، با ابهام و چالش‌های بزرگی روبه رو خواهد شد، ابهام‌هایی که احتمالاً جنگ اوکراین و روسیه را نیز وارد مرحله جدیدی خواهد کرد و موجب بروز دوگانه جدی میان اروپا و ایالات متحده می‌شود.